

تقریب عملی مذاهب اسلامی، ضرورت‌ها و راهکارها

شعله ظهیری^۱
(استان: کردستان - مذهب: شافعی)

* چکیده

در عصر حاضر تقریب مذاهب اسلامی و وحدت آنها، آرمانی بلند و امیدی دیرینه است که گذشته از دلایل عقلی، ادله نقلی فراوانی نیز لزوم آن را روشن می‌سازند. در این راستا وظیفه مسلمانان آن است که با اتخاذ تدابیر لازم و راهکارهای عملی، تقریب مذاهب را در پیکره دنیای اسلام حیاتی مجدد بخشند، تا ضمن بازیابی اقتدار گذشته، مجالی را برای تاخت و تاز نهادهای سیاسی، اقتصادی و



فرهنگی غرب باقی نگذارند. این نوشتار هم در راستای تحقق همین اهداف والا و به پیروی از منویات و نظرات بزرگان دین در جهت رفع موانع و مشکلات فراروی مسلمانان تهیه و تنظیم شده است و به واقعیتی می‌پردازد که جهان اسلام با آن روبه‌رو است. در این مقاله سعی شده است راهکارهای عملی و صحیح برای تقریب مذاهب اسلامی در عرصه‌های ملی و فراملی در بین آحاد مسلمانان به منظور حفظ مصالح مسلمانان و پیشرفت امور عامه اسلامی و تحقق وحدت و انسجام اسلامی به مخاطبان ارائه گردد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، تقریب، وحدت، بیداری.

* مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که جهان اسلام، امروزه با چالشهای مختلفی همچون تبلیغات منفی بر ضد اسلام و تلاشهای تفرقه‌انگیز دشمنانش روبه‌رو است، بنابراین ضروری است که برای غلبه بر این چالشها و بهره‌مندی مناسب از فرصتها و ظرفیتهای گسترده امت اسلامی، با تکیه بر اصول ثابت و مشترک اسلام مانند: توحید، نبوت، معاد و غیره، زمینه‌های تقریب مذاهب اسلامی را برای مقابله با دشمن مشترک و به منظور قطع ایادی بیگانگان طمّاع و تحکیم عدالت اجتماعی و اخوت اسلامی بین مذاهب مختلف اسلامی اعم از شیعه و سنی هموار سازیم.

بی‌شک عزّت و اقتدار اسلام از محورهای عمده و بلکه اصلی‌ترین بنیان اندیشه‌ها و آمال مسلمانان دلسوز و مصلحان حقیقی است و هیچ مسلمان فهمیده‌ای نیست که نداند یکی از عوامل عزّت و اقتدار اسلام، تقریب مذاهب مختلف اسلامی با وجود تمایزات و اختلافات است. به هر میزان این تقریب و هم‌گرایی در میان فرقه‌های اسلامی اعم از شیعه و سنی پررنگ‌تر شود، به همان اندازه نیز فرصتهای بی‌شماری برای اظهار وجود و قدرت نمایی امت اسلامی در برابر زیاده‌خواهی دنیای زر و زور مهیا خواهد شد.

البته اگر در عرصه بیداری اسلامی عصر حاضر، دشمنانی در کمین نشسته باشند و در رویارویی با آن، نیرنگها به کار گیرند، امری عجیب و دور از ذهن و حتی واقعیت نیست؛

زیرا خصومت با اسلام و مسلمانان از راهبردهای دشمنان است. از سویی دیگر طبیعی است که در جریان بیداری اسلامی، گرایشها و شیوه‌ها و گروههای متعددی وجود داشته باشند و هر یک طبق برنامه و روش خود در خدمت به اسلام گام بردارند، به شرط اینکه این تعددها و اختلافها به دور از تعصب و جمود فکری باشد.

اما آنچه که مایه نگرانی است، شعله‌ور شدن دشمنی و کینه‌توزی در میان مذاهب و فرق مختلف اسلامی است، به گونه‌ای که مسلمانان بر ضد همدیگر به توطئه چینی و جنگ و دعوا برخیزند. در حقیقت اختلاف در مسائل فقهی و بعضی مسائل غیراساسی که نتیجه طبیعی اجتهاد و تفکر آزاد است، در ذات خود خطرناک نیست و مقصود از تقریب مذاهب هم از بین بردن اصل اختلاف نیست، بلکه مهم‌ترین هدف این است که این اختلاف موجب عداوت و دشمنی نگردد و براساس مشترکات بین فرقه‌های اسلامی، دوری و مشاجره جای خود را به برادری و نزدیکی دهد.

مسئله تقریب مذاهب یکی از مهم‌ترین ایده‌هایی است که اندیشمندان و دلسوزان مسلمان از روزگار آغازین اسلام تا به حال، بر مبنای تعالیم اسلامی و دیانت حقّه توحیدی پیگیری آن بوده و در مقابله با دشمنان اسلام و مسلمانان آراء و نظریاتی را در ابعاد مختلف، متناسب با مقتضیات زمان، ارائه نموده‌اند.

در دهه‌های اخیر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) منادی ایده تقریب مذاهب بوده‌اند و بر همین اساس، انقلاب اسلامی شکوهمند ایران برای این تقریب گامهای ارزشمندی را برداشته است. هم‌اکنون نیز فضای هم‌آوایی، هم‌گرایی و تقریب در بین مسلمانان با اندیشه‌های انقلاب اسلامی سیر تکاملی دارد و ادامه این روند مستلزم این است که عموم مسلمانان اتفاق خود را در اصول آیین مقدس اسلام در نظر گرفته و تفرقه عملی را کنار گذاشته و در یک صف قرار گیرند و با ارائه طرحهای فکری و عملی مناسب تلاش نمایند علاوه بر جلوگیری از اختلافات داخلی فرقه‌های مختلف اسلامی، از نفوذ و توطئه دشمنان سوگند خورده در بین مسلمانان که بیش از هر چیز از وحدت

امت اسلامی می‌ترسند، پیشگیری نمایند. مخصوصاً در سالهای اخیر که با ترفند جدید خود در صدد هستند برای اهل تسنن دشمن وهمی از شیعیان و همچنین برای اهل تشیع دشمن وهمی از اهل سنت و برای جهان عرب نیز یک دشمن وهمی از ایران ایجاد کنند (تسخیری، ۱۳۸۶ش، ص ۷۲).

*تقریب مذاهب در مستندات اسلامی

قرآن کریم، سنت پیامبر(ص) و سیره اهل بیت(ع) که جزء مستندات اسلامی هستند، هر کدام به نحوی مسئله تقریب مذاهب را مطرح نموده‌اند؛ قرآن کریم که مورد قبول همه مسلمانان است، درباره ضرورت وحدت و همدلی چنین می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران، ۱۰۳)؛ «همگی به رشته [ناگسستنی قرآن] خدا چنگ زبید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، که بدان گاه که [برای همدیگر] دشمنانی بودید و خدا میان دلهایتان [انس و الفت برقرار و آنها را به هم] پیوند داد، پس [در پرتو نعمت او برای هم] برادرانی شدید و [همچنین شما با بت پرستی و شرکی که داشتید] بر لبه گودالی از آتش [دوزخ] بودید [و هر آن با فرا رسیدن مرگتان بیم فرو افتادنتان در آن می‌رفت] ولی شما را از آن رهانید [و به ساحل ایمان رسانید]. خداوند این چنین برایتان آیات خود را آشکار می‌سازد، شاید که هدایت شوید» (خرمدل، ۱۳۷۴ش، ص ۶۶). این آیه و دهها آیه دیگر به ما می‌گویند که وحدت یک ضرورت اعتقادی است، بنابراین نباید از اسلامی که خود پایه‌گذار اتحاد است برداشت نادرست گردد و عامل اختلاف تلقی شود.

آنچه را که قرآن در زمینه دعوت به اتحاد و همبستگی و دوری از اختلاف و تفرقه بیان کرده، سنت نبوی نیز بر آن تأکید نموده است. تاریخ نشان می‌دهد که شعار توحیدی پیامبر(ص) رمز تمام پیروزیهای ایشان بوده و هرگونه اختلافی را با هر بهانه و شعاری نفی نموده است، آنجا که می‌فرماید: «دست خدا همراه جماعت است» (ابن حیان، ۱۴۱۴ق،

ج ۱۰، ص ۴۳۸) و نیز «برای رسیدن به هدف اصلی جمع شدن خیر و تفرقه باعث عذاب و غضب الهی است» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۶۶).

همچنین عنصر اتحاد از دیدگاه حضرت علی(ع) به قدری ارزشمند است که ایشان برهم زنده آن را مستحق بدترین عذابها می‌داند: «از پراکندگی پرهیزید و آگاه باشید که هرکس مردم را به این شعار تفرقه و جدایی دعوت کند، او را بکشید، هرچند زیر عمامه من باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷) و نیز تأکید می‌نماید که «مبادا در دین دورویی ورزید که همبستگی در راه حق گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه به آیندگان چیزی را با تفرقه عطا فرموده است» (همان، خطبه ۱۷۶).

* پیشگامان تقریب مذاهب

تقریباً از اواخر سده سیزدهم به بعد، چند تن از علمای بزرگ، مسلمانان را به تقارب مذهبی دعوت کردند که در میان آنان، سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان ایشان شاخص هستند. همچنین شخصیت‌های پیشتاز اسلامی از جمله بزرگانی چون: آیت‌الله حاج حسین طباطبایی بروجردی مرجع شیعیان جهان، آیت‌الله محمدحسین آل کاشف الغطا از مراجع نجف، آیت‌الله سید عبدالحسین شرف‌الدین از علمای بزرگ شیعه لبنان، عبدالمجید سلیم مرجع بزرگ افتا و فقاقت، شیخ حسن البنا مؤسس و رهبر اخوان المسلمین، شیخ محمود شلتوت رهبر عالی‌مقام اهل سنت و ... در گذشته و حال گامهایی را در جهت بیداری اسلامی و تقریب مذاهب برداشته‌اند (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵ش).

نوشتن کتاب «الخلاف» توسط محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، از علمای ایرانی شیعه در قرن ۵ قمری و معاصر سلطان محمود غزنوی که در آن نظریات و آراء علمای فریقین را بدون تعصب و برای بیان روش فقهی در استنباط احکام در سده چهارم و پنجم جمع و گردآوری کرده و نیز تفسیر «مجمع البیان» طبرسی نشان دهنده توجه و عنایت بزرگان علم و دین به این امور بوده است (ر.ک: بی‌آزار شیرازی، ۱۴۱۳ق).

امام خمینی و رهبر معظم انقلاب و سایر شخصیت‌های برجسته علمی در کشور اسلامی ایران و حتی در دیگر کشورهای اسلامی همین راه را پیمودند و بارها از سر دلسوزی خاطر نشان نمودند که در شرایط کنونی، نزدیکی و تقارب تمامی مذاهب و گرایش‌های اسلامی واجبی شرعی است.

* تعریف تقریب

از نظر لغوی تقریب «قَرَّبَ، تَقْرِيبًا» به معنای نزدیک کردن است (ابن منظور، بی تا، باب القاف) و در اصطلاح، تقریب در مفهوم عام تلاش علمای اسلامی برای نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی با هدف شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به اخوت دینی براساس اصول و مشترکات اسلامی؛ یعنی اعتقاد به خدا، وحدانیت خدا، نبوت پیامبر و اعتقاد به معاد است و در مفهوم خاص حرکتی است که علمای مذاهب اسلامی آن را پایه‌گذاری کرده‌اند و هدف از آن نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلاف و گاه خنثی کردن دشمنی مسلمانان به منظور متحد کردن آنان است و تحقق این امر به اجتماع عالمان مذاهب اسلامی در مکانی واحد و طرح مسائل نظری اجتهادی در محیطی صمیمی برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی و نشر نتیجه بحثها بین پیروان وابسته است (ناطقی، ۱۳۹۱ ش). روشن است در تقریب مذاهب، اصل و هدف مشترک، ایجاد مودت و اخوت اسلامی است، اخوت اسلامی که قرآن بر آن تأکید دارد و می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» (حجرات، ۱۰)؛ «مؤمنان باهم برادرند، پس میان آنها آشتی افکنید».

* آیا تحقق تقریب واقعی مذاهب اسلامی امکان‌پذیر است؟

ایده تقریب مذاهب، یک ایده استوار، معقول، شدنی و حیاتی برای حفظ هویت اسلامی است. باید دانست اینکه قرآن کریم دعوت به وحدت اسلامی می‌کند و می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و در جای دیگر بیان می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ» معلوم می‌شود ایجاد تقریب و وحدت واقعی بین فرقه‌های

مختلف اسلامی امکان دارد؛ زیرا اگر امکان نداشت قرآن به آن دعوت نمی‌کرد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۹۸).

پیروان مذاهب مختلف اسلامی باید باور کنند که خداوند متعال مسلمانان را به برادری و وحدت واقعی و صمیمانه دعوت کرده است و لازم است آنان در اعماق قلب خود یکدیگر را برادر بدانند، نه اینکه به ظاهر و فقط در لفظ به یکدیگر برادر بگویند و قلباً هریک دیگری را مبعوض خدا بدانند. بدون مجامله باید گفت که تعداد بسیاری در هر دو فرقه، فرقه دیگر را مبعوض و مطرود خدا می‌دانند و تا زمانی که این طرز فکر در بین امت بزرگ اسلامی وجود داشته باشد، ممکن نیست که وحدت واقعی بین همه مسلمانان جهان به وجود آید و گسترش یابد. چه آنکه تقارب و تقارن توخالی و ظاهری نمی‌تواند یک میلیارد جمعیت مسلمان را به عنوان یک نیروی هماهنگ و متمرکز در صحنه قدرت جهانی جلوه‌گر سازد و اسلام را به طور شایسته‌ای گسترش دهد.

البته منکر این نکته نیستیم که در طی قرون گذشته عوامل مختلفی از قبیل تنگ‌نظری و تعصب کور و انگیزه‌های سیاسی و غیره به وجود آمده است که فرقه‌های بزرگ اسلامی اعم از سنی و شیعه را از هم دور و بیگانه کرده است، اما ضروری است برای رفع این مشکل و ساختن زمینه ذهنی مناسب، اجتهاد خستگی‌ناپذیر علمی و فتوای شجاعانه فقهی توسط علمای دو فرقه و تلاش همه‌جانبه از سوی تک تک مسلمانان انجام گیرد.

* اختلاف مذاهب مختلف اسلامی

بیشترین اختلاف در میان جنبشها در جهان اسلام، اختلاف در فروع فقهی و بعضی مسائل غیراساسی می‌باشد و علت آن هم، تعدد سلیقه‌ها و مذاهب در فهم کتاب و سنت و در استنباط مسائلی است که در مورد آنها نصی وجود ندارد. به صورتی که این گوناگونی باعث شده گروهی دارای دیدگاهی وسیع و کسانی دیگر دارای دیدگاه تنگ باشند، عده‌ای سخت‌گیر و عده‌ای دیگر آسان‌گیر. کسی به سوی مدرسه «نص» میل می‌کند و دیگری به طرف مدرسه «رأی و نظر». خداوند متعال چنین اراده کرده است که در تبیین دین

بعضی از احکامش منصوص علیه و بعضی مسکوت عنه باشند، تا نعمت عقل در اجتهاد و استنباط این احکام اجتهادی به کار گرفته شود. آری، اگر خداوند متعال اراده می فرمود که تمام مسلمانان بر همه چیز متفق باشند و هیچ گونه اختلافی بین آنان هر چند در مسائل فرعی و اصول غیر اساسی وجود نداشته باشد، تمام کتابش را به صورت نصوص قاطع الدلالة نازل می فرمود به شیوه‌ای که دیگر فکر و اندیشه‌ها در تفسیر آن به اختلاف نیافتاده و متعدد نمی شدند.

این اختلاف نیکو، علاوه بر اینکه بودنش ضروری است، نسبت به امت اسلامی رحمت و سبب وسعت شریعت اسلام است و دال بر آسان‌گیری خداوند نسبت به امت است؛ زیرا باب اجتهاد را برای مجتهدان باز می نماید. شریعت اسلام مجتهد را از اجر اجتهاد حتی اگر به خطا هم برود، محروم ننموده است و معنی وسعت رحمت الهی هم در اینجا همین است. البته این گفته بدان معنا نیست که تمام اقوال و آراء درست و صحیح است، بلکه صواب فقط یکی است، اما همه مجتهدان مأجور و کارشان محمود است (قرضای، بی تا، صص ۵۰ و ۵۱).

از طرف دیگر اختلاف آراء اجتهادی موجب غنی شدن فقه و نمو و وسعت آن می شود؛ زیرا هر رأی بر دلیل یا اعتبار شرعی که میراث تفکر مردان بزرگ است تکیه نموده و هر فقیه و مجتهدی بنابر اصول اجتهادی، اجتهاد و استنباط می کند و در نهایت در سایه سار مشربها و مسلکهای متعدد و روشهای متنوع، ثروت فقهی و تشریحی وسعت می یابد (همان، صص ۷۰ و ۶۵).

کسانی که می خواهند مردم را در احکام عبادات و معاملات و امثال اینها بر یک مذهب و رأی گردآوری نمایند، باید بدانند که کار آنها آب در هاون کوبیدن است و تلاش در این زمینه جز ازدیاد اختلاف ثمر دیگری نخواهد داشت؛ زیرا اختلاف در فهم احکام غیر اساسی شریعت، امری لازم و ضروری و طبیعت و خصوصیات انسان و زندگی و هستی چنین امری را ایجاب می کند و آنچه که مطلوب است انطباق حیات اجتماعی

و دینی مردم همه جوامع اسلامی بر متن کلی و مشترک دین اسلام است که می‌تواند فراگیرنده همه فرقه‌ها و مذاهب معتقد به آن متن کلی باشد، این همان وحدت معقول است.

* راهکارهای عملی برای تقریب مذاهب

استکبار جهانی پس از شکستهای پیاپی در مواجهه نظامی و خنثی شدن برنامه‌های خود در منطقه خاورمیانه و عدم نیل به اهداف سلطه‌گرانه خود و حتی ناکامی در بهره‌گیری از تفرقه‌افکنی قومی به دلیل گسترش موج بیداری اسلامی در جهان، اکنون با تمام قوا به تفرقه‌افکنی مذهبی و فرقه‌ای متوسل شده‌اند و در کنار تبلیغات روانی و القائات اغواگرانه خود دست به هر کاری می‌زنند تا که وحدت و یکپارچگی مسلمانان را به هم بزنند و آتش تفرقه و جنگ مذهبی را در بین فرقه‌های اسلامی شعله‌ور کنند که در بعضی مواقع به تضعیف ابهت و موقعیت بی‌بدیل مسلمانان در جهان منجر می‌گردد.

بنابراین طرح ایده تقریب مذاهب و به دنبال آن خیزش فرهنگی و بالندگی دین اسلام با توجه به الزامات حساس این برهه از زمان، که آرام آرام جوانه‌های نفرت بین شیعه و سنی در بین اقشار عامه امت رو به رویش و رشد می‌باشد، بدون ارائه راهکارهای صحیح، یک ایده آرمانی بیش نخواهد بود. پس لازم است که طرح اتحاد اسلامی به گونه‌ای پیش کشیده شود که نتایجی عملی به بار آورد. از رؤیایپرووری و آرزوپردازی و خوش‌بینی ساده‌دلانه فراتر رود؛ زیرا ارائه راهکارها و راه‌حلهای می‌تواند مقدمه‌ای برای تقریب مذاهب اسلامی به دور از آفات باشد. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آفت این حرکت مقدس غفلت از توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان است، این غفلت موجب می‌گردد که وقتی خیرخواهان و علاقه‌مندان به وحدت کلمه در جوامع اسلامی می‌خواهند در جهت دست یافتن به این هدف تلاش کنند، سرگرم مباحث و مسائلی شوند که تنها ثمره علمی دارد، نه ثمره عملی. همه تلاشها در مجامع علمی خلاصه شود، آن هم به صورتی بسیار محدود، از این رو اقداماتی که در جهت بیداری اسلامی صورت می‌گیرد، وقتی با تبلیغات و توطئه‌هایی که در جهت تفرقه جوامع اسلام انجام می‌شود، مقایسه گردد. شاید اغراق نباشد که قطره‌ای

است در برابر دریا! و سدی است کوتاه و ناتوان، در برابر سیلی عظیم و خروشان!

از دیگر سو این راه‌حلاها باید به صورت تلاش و مجاهدتهای خالصانه و مبتنی بر آزاداندیشی و تهی از هرگونه تعصب‌ورزیهای فاقد مبانی شرعی و عقلی و با در نظر گرفتن مصالح «جهان اسلام» و توطئه‌هایی که قدرتهای جهانی و اقمار و عوامل پیدا و پنهان آنان علیه اتحاد و همبستگی مسلمانان تدارک می‌بینند و روز به روز بر شدت آنها افزوده می‌شود و همه موجودیت اسلام و ملل و سرزمینهای اسلامی را در معرض خطر اضمحلال قرار می‌دهد توسط عالمان اندیشمند و دلسوخته و درآشنا از هر طرف و سایر نیروهای آگاه و بصیر و مسئول در همه ابعاد تحقق یابد و از زوایای گوناگون به بررسی آنها پرداخته شود. بنابراین با توجه به گستردگی مسئولیت متولیان امور مسلمانان در عرصه‌های بین‌المللی و نقشی که حکومتهای اسلامی در ایجاد برادری و همزیستی میان پیروان مذاهب اسلامی با گرایشهای مختلف ایفا می‌کنند و نیز نقش مهم آحاد جامعه و ضرورت همراهی همه مسلمانان در این امر مهم و مقدس، باید از نقطه نظر بین‌المللی، دولی و فردی راهکارهای عملی را ارائه نمایند.

۱) راهکارهایی در عرصه بین‌المللی

با توجه به رسالت جهانی «تقریب مذاهب اسلامی» و گستردگی زمینه فعالیت در جهت تعمیق ارزشهای ایمانی و تحقق «توحید، تقوا، عدالت و حریت» در گستره حیات بشری، لازم است که منادیان این ایده مقدس با اهتمام جدی و خستگی‌ناپذیر سعی در استقرار این ایده در عرصه بین‌المللی نمایند، تا قدرت یکپارچه امت بزرگ اسلامی در صحنه جهانی جلوه‌گر شود. از جمله این اقدامات مؤثر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) گفت‌وگوهای علمی و تبادل آراء

اولین و مهم‌ترین راهکار جهت هم‌گرایی مسلمانان در عرصه بین‌المللی، گفت‌وگوهای علمی است، بدین معنا که نظریه پردازان و عالمان دینی، فرقه‌های اسلامی در کنار هم قرار گرفته، گفتگوهای علمی انجام دهند. در این گفتگوها بر مسائل مشترک تأکید نمایند و با اصول

و مبانی یکدیگر آشنا شوند؛ زیرا عدم آشنایی کامل، ریشه بسیاری از بدبینیها است. وقتی که قرآن کریم در آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، ۱۷ و ۱۸) مسلمانان را به گفتگوی مسالمت‌آمیز با کفار و اهل کتاب برای رسیدن به حقیقت دعوت می‌نماید، بر مسلمانان به طریق اولی لازم است که اختلافات خود را از طریق گفتگوی سالم و رعایت آداب آن حل و فصل کنند؛ زیرا در سایه جهاد علمی مسلمانان خواهند فهمید که اختلاف نظر در برخی از مسائل فرعی و فقهی، ضرری به وحدت دینی آنها وارد نخواهد ساخت (گروهی از نویسندگان، ۱۳۵۰ش، ص ۱۴۳).

این معرفت را علاوه بر گفتمان علمی، می‌توان با تبادل محصولات مذهبی که به نوعی با هنر نیز ممزوج باشد، شبیه فیلمهای تلویزیونی و سینمایی و یا پدیده‌های هنری دیگر توسعه داد.

ب) تأکید بر لزوم تقریب مذاهب اسلامی

تأکید بر لزوم تقریب بین مذاهب مختلف اسلامی و همبستگی و همیاری مسلمانان به‌رغم تنوع ملی، در گستره مبانی توحیدی اسلام با تکیه بر کتاب و سنت و پایبندی به اصل احترام به دیدگاههای گوناگون، ضمن انگشت گذاردن بر عرصه‌های مشترک، می‌تواند یکی از راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی باشد.

ج) ارائه تعریف صحیح از مقوله تقریب مذاهب اسلامی

بیان این نکته که تقریب به معنی نفی تفاوتها و نادیده گرفتن آن نیست، بلکه تلاش برای ایجاد رویکردی متحد برای مسلمانان در برابر چالشها، آسیبها و ستیزه‌جوییها و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان است، می‌تواند راه را برای همبستگی بیشتر هموار سازد.

د) بالابردن سطح آگاهی عمومی درباره آثار تقریب و پیامدهای اختلافات مذهبی

تبیین آثار و برکات تقریب توسط محققان و نویسندگان و رسانه‌ها و بیان تجارب تلخ اختلافها می‌تواند راه را برای ساختن ذهنیتی در جهت بی‌فایده بودن تکرار آن مسائل

هموار کند.

ه) توجه به نقاط مشترک و دشمن مشترک

مطمئناً مسائل مورد اتفاق بسیار فراتر از موارد اختلاف می‌باشد، البته مقصود از تقریب مذاهب همان‌گونه که در مطالب قبلی هم بازگو شد، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات مذاهب نیست، بلکه مقصود تکیه بر عناصر مشترک است که عبارتند از:

۱. وحدت در عقیده که مبتنی بر سه اصل است: توحید، نبوت و معاد. همه مسلمانان جهان به خدای واحد، پیامبر واحد، نماز و روزه واحد و حج واحدی اعتقاد دارند. وجود مقدس نبی مکرم اسلام که توانسته بزرگ‌ترین عامل وحدت در همه ادوار اسلامی باشد و همچنین اهل بیت عصمت (ع) که مورد قبول و احترام و محبت همه مسلمانان هستند، می‌تواند یکی از پایه‌های وحدت و تقریب بین مسلمانان باشد.

۲. وحدت در عمل و برنامه و تشکیل صف واحد در مقابل دشمنان مهاجم، توجه به دشمنان مشترکی که اصل اسلام و کشورهای اسلامی و مردم جهان اسلام را نشانه رفته‌اند، یکی از عوامل مهم اتفاق نظر و وحدت میان کشورهای اسلامی می‌تواند باشد که می‌بایست در برابر آنان همچون بنیانی مرصوص و در صفی واحد استوار بایستند. ویژگیهای امت اسلامی نیز بر این اصل تأکید مضاعف دارد و منعی در هیچ‌یک از مذاهب اسلامی در این زمینه وارد نشده است و بر رهبران و علمای اسلامی و روشنفکران مسلمان است که سیاست واحدی را در برابر دشمنان در پیش گیرند.

۳. وحدت در هدف و آرمان که خود عبارت است از: فوز و فلاح و رستگاری در دو جهان؛ استقرار دین خدا در جهان؛ حاکمیت بندگان صالح در زمین طبق وعده پروردگار: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء، ۱۰۵)؛ رواج خیر و معروف و ریشه‌کن شدن فساد.

(و) تدوین آثار و برگزاری همایشها و کنفرانسها و بهره‌گیری مناسب از آنها یکی از شیوه‌های کاربردی در ایجاد تقریب مذاهب، تدوین آثار علمی در قالب کتاب، مجله و روزنامه، سریالها و نمایش‌نامه‌ها و نیز برگزاری نشستهای علمی و تبادل افکار و نظریات در زمینه بیداری اسلامی و در عرصه بین‌المللی است.

ز) صدور فتوای هم‌گرایی

بی‌تردید صدور فتوای مجتهدان فرقه‌های اسلامی نقش بنیادی در تقریب مذاهب دارد، همان‌گونه که نقش اساسی در اختلافات مسلمانان دارد. اگر مجتهدان فتاوی‌ی مانند جواز شرکت نمودن مسلمانان در مراسم عبادی همدیگر را صادر نمایند، زمینه‌های همسویی مسلمانان را فراهم می‌کند. هرچند که شیخ محمود شلتوت شیخ بزرگوار «الازهر» در زمان جمال عبدالناصر با فتوای شجاعانه خود اولین قدم را در این مورد برداشت و مذهب جعفری و فقه شیعه را به عنوان یک مذهب رسمی و فقهی تأیید کرد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۰۱). همچنین صدور فتوای رهبری معظم انقلاب اسلامی مبنی بر حرمت اهانت به نمادهای اهل سنت در همین رابطه است، اما با این همه انتظار از علمای مذاهب اسلامی این است که شجاعت شلتوت را با فتاوی جدید برای رفع بدبینیها و پیدایش روحیه برادری واقعی تأیید و تکمیل نمایند و آن را در سراسر جهان اسلام به طور گسترده‌ای آموزش دهند، به طوری که همه مسلمانان از عالم و عامی آن را بفهمند و بپذیرند، تا قدرت یکپارچه امت بزرگ اسلامی در صحنه جهانی جلوه‌گر شود (همان، ص ۲۱۵).

ح) اتخاذ سیاستهای مشترک

یکی از شیوه‌های ایجاد تقریب، اتخاذ سیاست مشترک توسط کشورهای اسلامی است. این سیاستها می‌توانند در روابط بین‌المللی و سیاستهای اقتصادی و تشکیل بازارهای مشترک اقتصادی شکل گیرند، همچنین می‌توان در صحنه‌های سیاسی در برابر دشمنان مسلمانان سیاستهای راهبردی اتخاذ نموده و به حمایت از مظلومان و آسیب دیدگان جهان اسلام پرداخت.

ط) شناسایی عوامل اختلاف

برای ایجاد تقریب، همان‌گونه که شناخت عوامل و زمینه‌های هم‌گرایی ضرورت دارد، شناخت عوامل و زمینه‌های اختلاف نیز بایسته است. بدون هیچ شبهه و تردیدی خطر، آفات، آسیبها و زیانهای موانع درونی فزون‌تر و فاجعه‌آفرین‌تر می‌باشد؛ زیرا هر ملت و جمعیتی که از درون به اختلاف و تنازع و تشتت می‌رسد، می‌پوسد.

بنابراین برای تحقق هدف مقدس تقریب، باید موانع درونی شناسایی و به طور دقیق بررسی و با تلاشهای مستمر و روشهای کارآمد مرتفع شوند. البته باید به خاطر داشته باشیم که هرچند برای ایجاد تفرقه یک عامل کافی است، ولی برای تقریب و اتحاد باید تمام عوامل تفرقه از بین برده شود؛ زیرا اگر این موانع از سر راه جامعه اسلامی برداشته شود و جهان اسلام به اسلام اصیل که حاوی کامل‌ترین برنامه زندگی فردی و اجتماعی است، عمل کنند، امید می‌رود، میوه «تقریب» در درخت اسلام به ثمر بنشیند.

ی) طرح نظریه جهانی شدن در راستای اسلام

در حال حاضر بحث جهانی شدن بحثی فراگیر است، اکنون که فضایی در جهت جهانی شدن فراهم آمده، دقیقاً آن را به سمت جهانی شدن اسلامی یا یکپارچه کردن جهان اسلام بکشانیم. طبعاً برای این کار باید ارزشهای تعریف شده در اسلام را تا آنجا که بتواند تمامی جهان اسلام و طوایف درونی آن را پوشش دهد، تعریف کنیم و براساس آنها نوعی جهانی شدن اسلامی را تبلیغ کنیم. با این کار، هم در مقابل جهانی شدن به سبک غربیها ایستاده‌ایم و هم وحدت طوایف داخلی جهان اسلام را استوار کرده‌ایم.

ک) ارائه طرحها، شعارها و نمادهای انسجام‌بخش

یک اقدام اساسی و عملی برای تقریب، پدید آوردن شعارها و نمادهایی است که می‌باید در دستور کار مراکز تبلیغی و رسانه‌ای جهان قرار گیرد. با احیای مراسم سنتی و دینی چون اعیاد و از میان برداشتن مسائل فرعی چون اختلاف در رؤیت هلال ماه، باید

جلوی هر بهانه و زمینه‌های جدا کننده را گرفت.

اندیشمندان مسلمان در ایام حج گرد هم آیند و با برپایی مناسک عبادی - سیاسی عظیم حج و براثت از مشرکان و با تمسک به ریسمان محکم الهی (قرآن و سنت پیامبر) به عنوان وجوه اشتراک تمامی مسلمانان، انسجام را در عرصه اسلامی به منصف ظهور برسانند. نیز در عرصه‌های بین‌المللی می‌توان با برپایی مراسم و مناسبت‌های فراملی و جهانی همچون روز جهانی قدس، دفاع از ملت‌های مظلوم و بی‌دفاع جهان، بزرگداشت ایام مذهبی و ... طرح جامعی را برای نزدیک شدن مسلمانان ارائه داد و پایه‌های تقریب مذاهب اسلامی را بیش از پیش تعمیق و تحکیم نمود.

ل) تأکید و تمرکز بر عرفان و معنویت

تاریخ تمدن اسلامی نشان می‌دهد که در دنیای اسلام، هم‌گرایی با تأکید روی عرفان و معنویت بسیار سریع فراهم آمده است. زمانی که دنیای اسلام علایق عرفانی گسترده داشت، توانسته بود نسلها و نژادها و طوایف مختلف را زیر سایه وحدتی فراگیر جای دهد و از آن یک امت واحده بسازد که زبان یکدیگر را راحت می‌فهمیدند. بنابراین روشنفکران مذهبی باید بستر بازگشت به اصالت‌های دینی را با درک شرایط جهانی هموار سازند.

۲) راهکارهایی برای حکومت‌های اسلامی

به همان اندازه که حیات استعمار به ایجاد تفرقه میان مسلمانان بستگی دارد، به همان نسبت هم حیات اسلام و حکومت اسلامی به ایجاد وحدت و همبستگی میان فرقه‌های مختلف مذهبی بستگی دارد. به عبارت دیگر شیعه و سنی که روز نخست، سیاست و اهداف سیاسی را از هم دور کرد، اکنون باید سیاست و مصالح سیاسی اسلامی مسلمانان را گرد هم آورد. بنابراین لازم است که در درجه نخست دولتهای اسلامی، تقریب را به عنوان یک اصل مسلم باور کرده و آن را مبنای سیاست‌های عمومی خویش قرار دهند. در طراحی این سیاست مهم‌ترین راهکارها را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

الف) بالا بردن آگاهی دینی و آموزه‌های دینی

اطلاع رسانی صحیح از مفاهیم قرآنی و سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اهل بیت (ع)، ترویج و تبیین مفاهیم و دیدگاه‌های اسلامی درباره واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی و برجسته نمودن امتیازات اسلام در مقابل مکاتب وارداتی، می‌تواند یکی از همین راهکارها باشد. بدون تردید جهل به شریعت و تعالیم آن یکی از عوامل مهم بسترساز برای پذیرش تبلیغات سوء و تفرقه‌انگیز دشمن می‌باشد.

ب) مراعات حقوق اقلیتهای مذهبی

باید توجه داشت که بروز تعصبات مذهبی، بیش از آنکه از ناحیه اکثریت باشد که نیازی به آنها ندارد، از ناحیه جامعه اقلیتی است که در میان یک اکثریت زندگی می‌کند و تحت فشار آنها است. دلیل این امر آن است که هر اقلیتی وقتی خود را در تهدید ببیند، روی مسائل خاص خود تکیه می‌کند و با شدت و حدّت بیشتری به حفظ آنها می‌پردازد. اقلیت باید احساس کند تفاوتی با دیگران ندارد و این امر تنها با اعطای حقوق حقه او امکان‌پذیر است. برای عملی نمودن این مهم می‌توان راهکارهای ذیل را پیشنهاد داد: ۱. عقاید هر دو فرقه اهل سنت و اهل تشیع در کتابهای درسی مدارس و دانشگاهها با یاری گرفتن از کمیته تخصصی ذکر گردد. ۲. توازن بهره‌مندی اقتصادی و سیاسی براساس شایسته سالاری ۳. توجه به زبان اقلیتهای مذهبی در نهادهای آموزشی. ۴. اجازه نشر و چاپ آثار مذهبی و قومی. ۵. پخش مراسم و مجالس مهم از رادیو و تلویزیون و یا نشر آن با رعایت مصالح ملی.

ج) جلوگیری و محکومیت کارهای افراطی

جلوگیری از کارهای افراطی و محکوم کردن اعمال غیرانسانی افرادی که جزء افراطیها هستند، یکی از کارهایی است که باید دنبال شود. بر دولتها است تا عملاً در برابر این قبیل اعمال حساسیت خاص نشان دهند و از نشر کتب و نشریات تفرقه‌انگیزی که توسط مستشرقان، وهابیه و ملی‌گرایان و دیگر عوامل نادان و مشکوک دامن زده می‌شود،

جلوگیری نمایند.

۳) راهکارهای فردی

نقش مردم و همراهی آنان در مسئله تقریب مذاهب بر کسی پوشیده نیست، گرچه در نگاه اول، به نظر می‌رسد در طرح این موضوع، روی سخن بیشتر با عناصر سیاسی است، اما با توجه به تنوع عوامل اتحادشکن در محیط اجتماعی امروز جامعه، باید بپذیریم همه اقشار و آحاد جامعه در ایجاد و تقویت یا تضعیف تقریب مذاهب اسلامی نقش دارند. بنابراین تک تک مسلمانان مکلف هستند که مثل برادر باهم رفتار کنند و اخوت ایمانی خود را با تاسی به عقد اخوت زمان پیامبر همواره حفظ نمایند.

اینک مواردی از راهکارهای تحکیم و تعمیق بیداری اسلامی را با طبقه‌بندی بر پایه فکری، علمی، عملی و اخلاقی فرهنگ اختلاف که بسان منشور و دستورالعملی است برای همه مسلمانان، به صورت بسیار خلاصه ارائه می‌نماییم: الف) پایه‌های فکری در فرهنگ اختلاف

اختلافاتی که سبب آنها مسائل فکری می‌باشد، ریشه اصلی آنها به اختلاف نظر درباره مسائل معین برمی‌گردد و این مسائل می‌تواند مسئله علمی باشد، مانند اختلاف در فروع شریعت و یا یک مسئله عملی باشد، مانند اختلاف در مواضع سیاسی. همچنین می‌تواند اختلافات فکری باشد که شامل اختلاف در دادن یا ندادن ارزش به بعضی از معارف اسلامی است مانند علم کلام، تصوف، فلسفه و برای جلوگیری از دام تفرقه و جدایی باید در مقابله با این اختلافات به رهنمودهای زیر توجه نماییم:

۱. شناخت دقیق مفاهیم و اصطلاحات.
۲. پرهیز از افراط و تفریط و روی آوردن به اعتدال و میانه‌روی.
۳. در دین باید بر محکومات تکیه کرد نه متشابهات.
۴. توجه به مشکلات اساسی مسلمانان.
۵. روی آوردن به علمای شرع مبین اسلام و دوری از اجتهادات شخصی و غیر

- کارشناسانه.
۶. عدم قاطعیت و سخت‌گیری و انکار در مسائل اجتهادی.
 ۷. ضرورت آگاهی از اختلاف علما.
 ۸. اولویت دادن به کار و خدمات فرهنگی و اجتماعی به جای پرداختن به مسائل صرفاً سیاسی.
 ۹. جلوگیری از تهمتهای اعتقادی و نسبتهای ناروا به یکدیگر.
 ۱۰. رهایی از تنگ‌نظری اندیشه‌های محلی و اهتمام به رسالت جهانی بیداری اسلامی.
 ۱۱. دست نیاززدن بر کسی که کلمه «لا اله الا الله» را بر زبان بیاورد.
 ۱۲. شناخت کافی از دشمن و روشهای کاری آنها.
 ۱۳. اهتمام به اصول و کلیات به جای پرداختن به فروع و جزئیات.
 ۱۴. اولویت دادن به فرائض و واجبات به جای توجه بیش از حد به نوافل و مستحبات.
 ۱۵. اولویت دادن به موارد اتحاد و وفاق‌آمیز به جای مشغول شدن به امور اختلاف و نزاع برانگیز.
 ۱۶. توجه بیشتر به معنی و ماهیت کردار به جای اهتمام بیش از حد به شکل و ظاهر رفتار.
 ۱۷. اولویت دادن به کیفیت، به جای توجه بیش از حد به کمیت.
 ۱۸. واگذاری حساب و کتاب به خداوند متعال و تسلیم مطلق به اراده خداوند متعال در محاسبه و رسیدگی به حساب و کتاب خلاق در آن جهان.
- (ب) پایه‌های اخلاقی در فرهنگ اختلاف

اختلافاتی که ریشه اخلاقی دارند، ناشی از رذایل اخلاقی هستند که از نظر روان‌شناسان در ردیف مهلکات قرار می‌گیرند و بر هر مسلمانی لازم است که با نفس خود مبارزه کند تا از دام نفس و شیطان رها شود و با جدیت چنان به پرورش روح خود بپردازد که آنچه را که ضد روح پاک او است، از بین ببرد؛ زیرا اختلافاتی که از این رذایل اخلاقی سرچشمه می‌گیرد، ناپسند بوده و در دایره تفرق مذموم قرار می‌گیرد. مهم‌ترین راهکارهای رفع این

اختلاف عبارت است از:

۱. پرهیز از حب غلبه در مجادله و مجادله به روش احسن.
۲. دوری از سخت‌گیری و ایجاد نفرت و اهتمام به آسان‌گیری و تعمیق الفت.
۳. اغماض و گذشت از یکدیگر در مسائل اختلافی.
۴. تعاون و همکاری در مسائل مورد اتفاق.
۵. توجه به کار و فداکاری به جای پرداختن به مباحثات ذهنی.
۶. داشتن اخلاص و عدم پیروی از هوا و هوس.
۷. پرهیز از احساسات و عکس‌العمل‌گرایی و اهتمام به تفکر و برنامه‌ریزی.
۸. دوری از تعصب و تندروی در مورد دیگران و توجه به تحمل و کنار آمدن با آنان.
۹. رویگردانی از تحریک احساسات و اولویت دادن به تعلیم و تربیت.
۱۰. دوری از تکبر و انانیت و التزام به تواضع و اخوت.
۱۱. روی آوردن به عمل و برنامه‌ریزی برای حال و آینده به جای افتخار بیش از حد به گذشته.
۱۲. گریز از اختلافات نزاع برانگیز و توجه به انتقادات سازنده و صادقانه و الفت‌آمیز.
۱۳. محبت با اهل ایمان و جهاد همه جانبه و قاطعیت علیه دشمنان.
۱۴. پرهیز از جریحه‌دار کردن عواطف مخالفان.
۱۵. حسن ظن به دیگران.

* نتیجه

با توجه به تأکید دین مبین اسلام بر تمسک به اتحاد و همبستگی و در نهایت تقریب مذاهب و امعان نظر به ابعاد تهاجم گسترده و ناجوانمردانه دشمنان اسلام و استکبار جهانی و صهیونیسم بر فرهنگ، ارزشها، منافع و استقلال امت اسلامی لازم است که همه نیروهای مادی و معنوی در کشورهای اسلامی و آحاد مسلمانان در برابر این تجاوزات و دشمنیها بسیج شوند و یگانه تلاششان عملی نمودن رهنمودها، راهبردها و راهکارها باشد.

بی‌شک در گستره بیداری اسلامی و به دنبال آن همبستگی اسلامی، اسباب مسرت همه مسلمانان فراهم می‌گردد؛ زیرا اتحاد و همدلی آیتی روشن از فضل و رحمت واسعه الهی است و مسلمانان باید هوشمندانه در پرتو فضل و رحمت خداوند متعال وحدت و همدلی خویش را استوار بخشند و از افتادن به دام حاشیه‌سازان غربی اجتناب نمایند و بایسته است این بیداری و تقرب، منتهی به عزت و تجدید حیات معنوی مسلمانان گردد. ما وارثان مذاهب اسلامی باید صادقانه و مخلصانه با مغرضان و معاندانی که به نام مذهب و مسائل مذهبی تفرقه را در میان مسلمانان ترویج می‌نمایند، مقابله نموده و با تنقیح مذاهب که خود بزرگ‌ترین قدم در جهت تقرب مذاهب است و با وحدت کامل و عملی و توسعه بیداری اسلامی از تفریق مذاهب جلوگیری نماییم.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، جام جوان، ۰۸۳۱ ش.
۳. ابن حیان، صحیح ابن حیان، بی‌جا، مؤسسة الرسالة، ۴۱۴۱ ق.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ اول، بی‌تا.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، «همراه با بنیان‌گذاران تقرب»، تهران، مجله رساله التقرب، سال اول، شماره اول، ۳۱۴۱ ق.
۶. همو، شیخ محمود شلتوت طلایه‌دار تقرب، تهران، مجمع جهانی تقرب اسلامی، چاپ دوم، ۵۸۳۱ ش.
۷. تسخیری، محمدعلی، «کنفرانس مطبوعاتی»، در: «گزارشی از برگزاری بیستمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی»، مجله فروغ وحدت، شماره ۷، بهار ۶۸۳۱ ش.
۸. خرم‌دل، مصطفی، تفسیر نور، تهران، نشر احسان، چاپ دوم، ۴۷۳۱ ش.
۹. قضاوی، یوسف، بیداری اسلامی و فرهنگ اختلاف، ترجمه عمر قادری، سنندج، نشر مترجم، بی‌تا.
۱۰. گروهی از نویسندگان، همبستگی مذاهب اسلامی، تهران، امیر کبیر، ۰۵۳۱ ش.
۱۱. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۹۰۴۱ ق.
۱۲. ناطقی، مرادعلی، «تاریخ تقرب مذاهب اسلامی»، قسمت اول، بهمن ۱۹۳۱ ش.
۱۳. <http://afghanistan.shafaqna.com/others/elected/item/۹۹۷۹.۱۳>